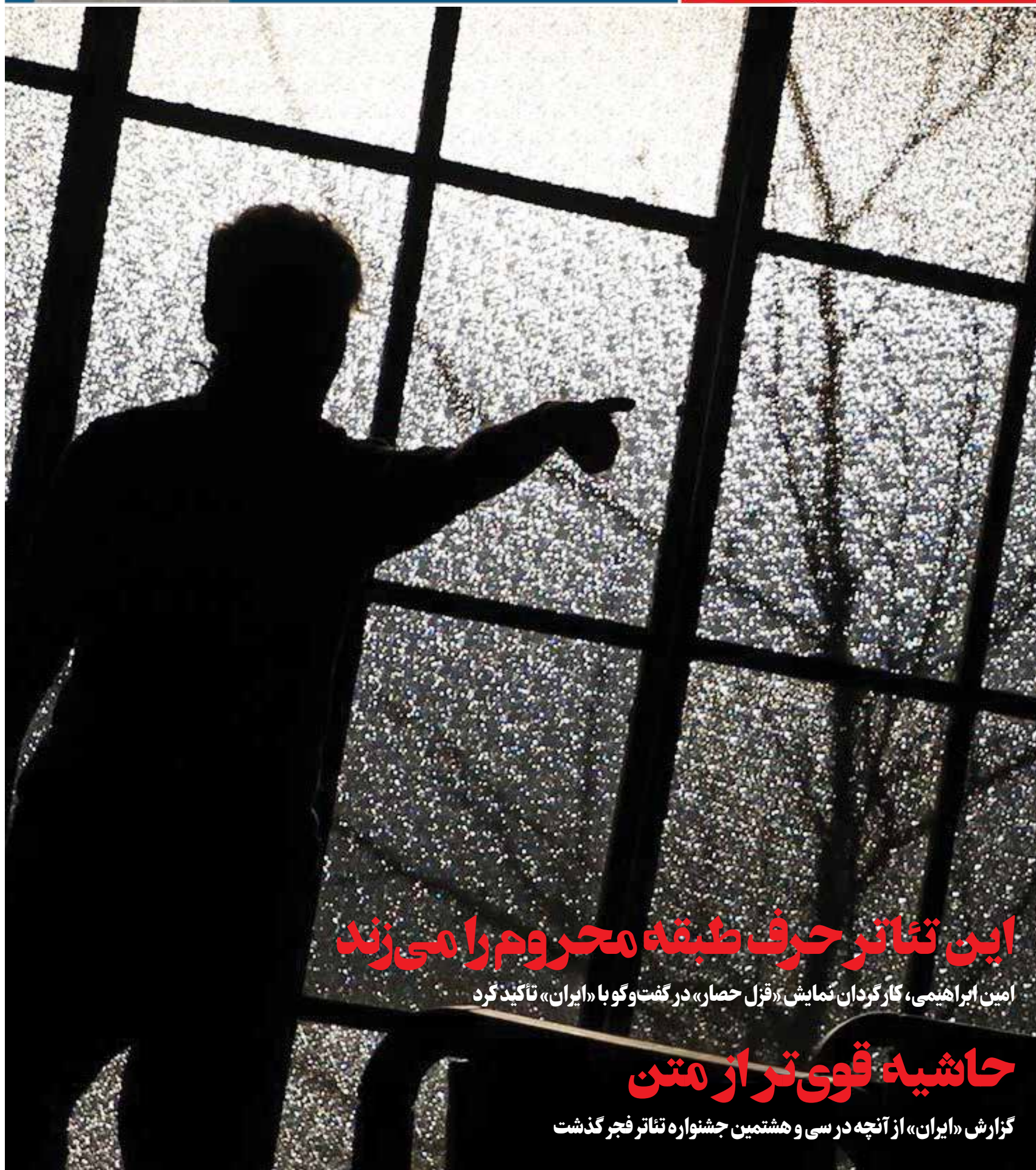




سی و هشتمین
جشنواره بین‌المللی
تئاتر فجر
38th
FADJR
International
Theater
Festival

جشنواره | ۹۸ | ۱۱ | ۲۰ |

ایران



این تئاتر حرف طبقه محروم را می‌زند

امین ابراهیمی، کارگردان نمایش «قل حصار» در گفت‌وگو با «ایران» تأکید کرد

حاشیه قوی‌تر از متن

گزارش «ایران» از آنچه در سی و هشتمین جشنواره تئاتر فجر گذشت

نگاشت مسأله‌های اکنون از لحاظ فرم

درباره نسبت اکتونیت
با نمایش‌های جشنواره تئاتر فجر ۳۸



نوشته سید حسین رسولی

یکی از معانی نقد، بحرانی کردن است و چه خوب است تئاترهایی را تماشا کنیم که به اندیشه انتقادی و بحرانی کردن فرم و محتوا پردازند. تئاتری که خنثی باشد با برخورد منفی مخاطب مواجه می‌شود. نمایش‌های کم‌مدی معمولاً به بحرانی کردن موقعیت و رفتار کاراکترها می‌پردازند و تراژدی‌ها هم به بحرانی کردن مفاهیم عمیق توجه دارند. تحلیل کارگردانان از کاراکترها و موقعیت‌ها خیلی مهم است. اگر مثلاً شخصیت لویپاخین در نمایشنامه «باغ آلبالو» را مثبت ارزیابی کنید به یک مسیر فکری خواهید رفت و اگر او را منفی نمایش بدهید به جاده‌ای دیگر. اگر شخصیت دکتر استوکمان در نمایشنامه «دشمن مردم» هنریک ایبسن را تنها فردی در برابر جمع نشان بدهید به یک معنای مشخص خواهید رسید و اگر او را فردی در حال مبارزه با سودگرایی فردی در جامعه سرمایه‌داری تصویر کنید به مقصدی دیگر می‌رسید. چند روزی از سی‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر می‌گذرد و یکی از نکته‌های مهمی که باید به آن توجه کنیم بحث «اکتونیت» و توجه «تئاترها به رخدادهای جامعه» از منظر فرم و محتوا است. میشل فوکو تلاش‌های بسیاری در بررسی «هستی‌شناسی اکتون» انجام داده است و آن را نباید صرفاً به مثابه «تاریخ اکتون» مورد توجه قرار بدهیم بلکه باید همچون «نگاشت اکتون» به آن نگاه کنیم. این نگاشت اکتون و هستی‌شناسی اکتون که از مباحث محوری تفکر فوکو است بشدت به کار درام نویسی، دراماتورژی و کارگردانی تئاتر می‌آید. فوکو به منظور تبیین نظریه خود به امانوئل کانت، فیلسوف آلمانی می‌پردازد. به باور فوکو، بر خلاف پرسش‌های فلسفی متداول که فرازمانی و فرامکانی هستند، کانت به طرح نوع جدیدی از پرسش مبادرت می‌ورزد؛ پرسش از «زمان حال» و اینکه «اکتون» چه می‌گذرد؟ این نوع پرسش از «الحظه معاصر» در تاریخ فلسفه، تا قبل از کانت بی‌سابقه بوده است. اهمیت پرسش کانت در طرح نوع جدیدی از تأمل فلسفی است که با جستار «روشنگری» آغاز می‌شود؛ یعنی طرح فلسفه‌ورزی به مثابه «مسأله‌ساز کردن» اکتونیت. به نظر فوکو، ویژگی متمایز فلسفه به عنوان گفت‌وگو مدرنیته، همین ویژگی مسأله‌ساز کردن اکتونیت است. با ظهور روشنگری، نوع جدیدی از پرسش فلسفی مطرح می‌شود که در رابطه‌ای طولی با دوره باستان نیست بلکه نوعی رابطه عرضی با اکتونیت دارد. نکته‌ای که برای من اهمیت دارد این است که «مسأله‌ساز کردن اکتونیت» را می‌توان به نظریه «قهرمان مسأله‌دار» گئورگ لوکاچ پیوند زد. قهرمان پروبلماتیک (مسأله‌دار)، فردی کاملاً مسأله‌دار، بی‌آینده، معترض و پریشانی است که در جهانی تباہ، جویای ارزش‌های کیفی و اصیل انسانی است. لوکاچ در کتاب «پژوهشی در رئالیسم اروپایی» و دیگر کتاب‌های خود چون «نظریه رمان» به رئالیسم در آثار بالزاک، استاندال، زولا، تولستوی، گورکی، کافکا و توماس مان می‌پردازد و نظریه قهرمان مسأله‌دار را پیگیری می‌کند تا به رئالیسم انتقادی برسد. قهرمان او به جامعه‌ای واکنش نشان می‌دهد که در آن زندگی می‌کند. کانت نیز در «روشنگری چیست؟» به پرسشی پاسخ می‌دهد که زمانه‌اش برای او مطرح کرده است و در نزاع دانشکده‌ها به انقلاب فرانسه یعنی واقعیتی که زمانه‌اش به او تحمیل کرده، می‌پردازد. مسأله مورد چالش فوکو با تاریخ‌نگاران سنتی این است که با قرار دادن رویدادها در یک توالی هدفمند و سیر علی، اکنون را تنها وضعیت ممکن نشان می‌دهند و با این کار، ایده کلی و چشم‌انداز خود را در نگارش رویدادها، پنهان می‌کنند. اینگونه نیست که امر ثابت بیرون از تاریخی وجود داشته باشد که تاریخ و زمانی بر آن گذشته باشد؛ بلکه ماهیت هر پدیده، تاریخی است که بر آن پدیده گذشته است. گذشته تنها در سایه اکتون معنا می‌یابد و تبارشناسی، «نگارش تاریخ اکتون است». فوکو می‌نویسد: «در بررسی خاستگاه یک چیز، باید از تبار آن، نیروهایی که به ارث برده است و وضعیت آن که بر آن بنا شده است، سخن گفت». فوکو در مقاله «نیچه، تبارشناسی و تاریخ» به خصوصیات «تاریخ واقعی» پرداخته است. در واقع، برای فوکو، گذشته بواسطه «اکتون» معنا پیدا می‌کند. فوکو به منظور تفسیر اکتونیت مسأله «تاریخ واقعی» را پیش می‌کشد. تاریخ واقعی، روایت نیست، بلکه آفرینش است. به نمایشنامه‌های «در انتظار گودو» به نویسندگی ساموئل بکت و «مرگ فروشنده» به نویسندگی آرتور میلر و «ننه دلاور» به نویسندگی برتولت برشت توجه کنید. تمام این آثار تلاش دارند تا «اکتونیت» را «بحرانی» کنند و توانسته‌اند فرمی جدید خلق کنند. به نظر تئودور آدورنو نیز باید توجه کرد زیرا او می‌گوید که انتقاد اجتماعی، در مقام نوعی کاریست و نیز نوعی کاریزده اساسی هنر، از فرم و قالب اثر هنری نشأت می‌گیرد نه از محتوای آن. نمایش «متساوی‌الساقین» به نویسندگی و کارگردانی عمادالدین رحبلو به خوبی به رئالیسم توجه می‌کند و نمایش «بیگانه در خانه» به کارگردانی سید محمد مساوات هم از منظر فرم به مسائلی چون از خود بیگانگی، هویت، مهاجرت، خانواده و سینما می‌پردازد. نمایش «است» به کارگردانی پرنیا شمس نیز با فرمی مینیمال به سوی بیان دغدغه‌های گروهی از دختران جامعه می‌رود. در پایان باید تأکید کنم انتخاب و گزینش فرمی متفاوت و کار شده باعث بالاتر رفتن کیفیت نمایش می‌شود نه داشتن حرف‌های بزرگ. ■

تاریخ مشترک زنانه

درباره نمایش «ننه مده‌آ»
به کارگردانی آرمان بیژنی نسب



نوشته محمد حسن خدایی

بی‌شک یکی از غافلگیری‌های سی‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر را می‌توان اجرای «ننه مده‌آ» از فسا دانست. نمایشی نابهنگام که گویی تلاش دارد سرگذشت مشترک زنان سرکوب شده جهان را بار دیگر با فرمی تازه روایت کند. یوسف شکوهی در مقام نویسنده و آرمان بیژنی نسب در جایگاه کارگردان، با تلفیق حال و هوای ایلپاتی زیست‌جهان عشایران قشقای با آثار دوران‌سازی چون «مده‌آ» و «ننه دلاور»، بر این نکته تأکید دارند که چگونه سرکوب و سلطه بر روح و جسم زنان، در اعصار مختلف تاریخ بازتولید شده و زندگی‌ها را بر فنا داده. حتی نام «ننه مده‌آ» هم ترکیبی است هوشمندانه از سرنوشت تکرار شونده مده‌آی «اورپید» با ننه دلاور «برشت» که اینجا با تلاش یک زن ایلپاتی، به میانجی بدن، بیان و ژست‌های اجرایی می‌شود. وقتی در انتهای روایت ۴۵ دقیقه‌ای نمایش، ننه دلاور بر این نکته اشاره می‌کند که روزگاری در یکی از دانشسراهای کشور، آموزش تئاتر دیده و تلاش کرده تا برشت و اورپید را اجرا کند، چرایی کنار هم قرار گرفتن فیگورهای مهم زنان تاریخ تئاتر آشکار می‌شود. ننه دلاور نمایش که گویی زنی است ایلپاتی، مدتی است با حکمی ناعادلانه در بند است و روزگار در چادری تنگ می‌گذراند و فقط هنگام عزیمت دسته‌جمعی اهالی ایل، امکان آن را می‌یابد که با دخترانش بار دیگر تخیل ورزد و نمایش بازی کند. اجرا با تکنیک زن‌پوشی، این امکان را فراهم می‌کند که از محدودیت‌های بازنمایی سوژه زنانه تا حدی گذر کرده و با ژست‌هایی اغراق شده، شیوه اجرایی غربی و ایرانی را تلفیق کرده و فضایی مفرح و تماشایی خلق کند. بنابراین اجرا با نوعی التقاط‌گرایی، گشوده به هر دو فرهنگ شرق و غرب عالم، به انقیاد هیچ کدام در نیامده و وامدار هر دو است. «ننه مده‌آ» تجسم کاملی است از این جمله که «برای جهانی شدن، ابتدا باید محلی بود». از نکات قابل اعتنای اجرا، طراحی صحنه نمایش است. خیمه‌ای که بنا بر ادعای گروه اجرایی، تمامی پارچه‌هایی که برای برپایی‌اش تدارک دیده شده، از جنس لباس زنان عشایر است و دوخت و دوز آن، دو سال زمان برده. این البته از بخت‌یاری ماست که اتصال یک اجرا با زیست هر روزه مردمان یک منطقه را به این شکل مشاهده کنیم و به تماشای اجرایی که در یک خیمه چشم‌نواز از پارچه‌های محلی زنان عشایر بر پا شده، بنشینیم. با آنکه سالن اصلی مولوی، پذیرای این خیمه رنگارنگ و زیبا بود، اما بهتر می‌شد که این اجرا در دل طبیعت به نمایش درآید و آن پناه بردن به آرامش خیمه و موقتی بودن زندگی در آن، با تمام وجود تجربه شود. اما با تمام این مسائل، تماشای «ننه مده‌آ» در دل یک خیمه، رویکردی است مرکز‌زدا که امکان مواجهه با لهجه‌ها و قومیت‌ها را مهیا کرده و پتانسیل بسیار غنی و کیفورکننده سنت‌های نمایشی اقوام مختلف کشور را گوشزد می‌کند. تئاتر اقلیمی با یک رویکرد انسان‌شناسانه، بیش از این می‌تواند به فهم ما از انسان مدرن یاری رساند و امکانی شود برای شنیدن صدای مردمانی که در هیاهوی شهرهای بزرگ، تصویر و صدایی از خود ندارند. ■



نبرد برای به دست آوردن حق

درباره نمایش «صدمین سالگرد فتح
گریه» به کارگردانی مهرداد علی‌پور



نویسنده احسان زیورعالم

چهل و اندی سال از اجرای نمایش «قلندرخانه» ایرج صغیری می‌گذرد و هنوز میراث او در اجرا کار می‌کند. هنوز بهره بردن از موسیقی فولکوریک و تبدیل کردنش به شرایط دراماتیک می‌تواند جذابیت‌های ویژه‌ای داشته باشد. جذابیتی که مخاطب را با خود درگیر کند و تصویری از جهانی ناشناخته برای او بیافریند. صغیری در کنار موسیقی، با بهره‌گیری از میزانشن‌های نامتعارف، جهانی ناآشنا می‌آفرید که در آن، رئالیسم جادویی برآمده از فرهنگ جنوب ایران، رؤیا آفرینی می‌کرد. نمایش از آن سبلی آثار کلاسیک و غربی خلاص می‌شد و چون امواج دریا، بر ساحل به سیالیت درمی‌آمد. پویایی «قلندرخانه» صغیری و شیوه اجراییش را ابدی کرد.

«صدمین سالگرد فتح گریه» کاری از شهر گچساران و به کارگردانی مهرداد علی‌پور، داستان زنی را روایت می‌کند که تمام فرزندانش را از دست داده است و مقصر این عزای بزرگ، برادران او هستند، برادرانی که مانع از درمان فرزندان و آمدن طبیب بر سر بالین آنان می‌شوند. زن، برنوی خود را برداشته و با جنازه تنها دخترش راهی کوه و کمر می‌شود. سفری که در پی آن، بخشی از رعیت از پی او روان می‌شوند و به جرگه قشون خونخواه زن می‌پیوندند. زن علیه ظلم حاکم بر جایگاه و جنسیتش قیام می‌کند. قیامی که به حرکتی علیه قدرتمندان نیز بدل می‌شود.

اگر این روزها در جشنواره فیلم مدام از تازه‌ترین ساخته یک کارگردان خاص سخن به میان می‌آید که در فیلم - البته با پشتوانه مالی و معنوی بسیار - موفق به ساخت اثری انتقادی شده است، در تئاتر نیز مهرداد علی‌پور، بدون حمایت مالی و بدون سرمایه معنوی، با بهره‌گیری از سنت‌های زاگرس جنوبی، نمایشی به غایت انتقادی آفریده است. نمایشی که در آن می‌توان رگه‌هایی از احقاق حقوق زنان را دریافت کرد و هم رفتار دولت مرکزی و خان‌های قدرتمند نسبت به مردمان زاگرس نشین. علی‌پور تصویری از احساس جامعه کهگیلویه‌ای را ابراز می‌کند؛ هر چند به نظر می‌رسد روایت در گذشته رخ می‌دهد.

علی‌پور برای بیان حرف‌هایش به سراغ موسیقی لری می‌رود، همان موسیقی که در کوه‌ها و دشت‌ها، جوانان لری یکصدا می‌خوانند و بسان آهنگ رزم، علاوه بر ایجاد اتحاد، به کنش‌های هارمونی می‌بخشد. علی‌پور تلاش می‌کند تصویری موزیکال از رفتار عمومی منطقه خویش بیافریند. این وضعیت موزیکال با ابزار و ادوات آشنا برای مردم لری همگام می‌شود. یک برنو و یک اسب سرمایه یک مبارز لری است. وسایلی که هم با آن معاش می‌کند و هم دفاع. این بار وضعیت در موقعیت حمله است. حقی گرفته شده است و تنها راه باقی‌مانده، نبرد برای به دست آوردن حق است. پس همه همصدا می‌شوند؛ نغمه رزم و عزا سر می‌دهند و پای می‌کوبند.

«صدمین سالگرد فتح گریه» قرار نیست واقع‌گرا باشد. موجودات در آن به زبان درمی‌آیند و پیش‌بینی می‌کنند. از اینکه چه در آینده به سر خانم و خاندانش خواهد آمد. همه چیز با ریتم و ضرباهنگی سریع رخ می‌دهد؛ اما داستان نقطه ضعف اثر می‌شود. آن قدر موسیقی و آوازها کارساز هستند که روایت یکپارچگی خود را از دست می‌دهد. انگار مهم نیست قصه چیست، می‌شود هر جایی شوخی کرد و از اصل ماجرا دور شد. فضای آفریده شده کفایت می‌کند. این همان نقطه‌ای است که نه تنها علی‌پور؛ که بخش مهمی از تئاتر ایران درگیرش می‌شود. ایده گویی بر متن کفایت می‌کند. به هر روی «صدمین سالگرد فتح گریه» می‌تواند تنها نمایش بومی جشنواره امسال لقب بگیرد. ■



حقیقتی زنجیر شده

درباره نمایش «غم‌نومه وطن و تن»
به کارگردانی جواد خاکساری حقانی



نویسنده نیلوفر نانی

نمایش «غم‌نومه وطن و تن»، کاری از گروه شهرکردی‌ست که متنش را از یک افسانه بریتانیایی وام گرفته و با سوبه‌های شرقی و ایرانی‌زده کردن آن، برای صحنه آماده شده است. متنی که می‌خواهد اینبار «حقیقت» را از وجهی دیگر و با نگاهی ضدقهرمان، روایت مردمی باشد که آنچه از غم و رکود و پیری برایشان رخ داده و سرنوشت‌شان شده است، خود رقم‌زده و باعث هستند. سلمانی شهر که همسرزیبایی به نام فرنکیس داشته، مدت‌هاست از آن شهر رفته است و مردم در این سال‌ها دیگر به اصلاح و زیبایی ظاهر خود نمی‌رسند. او حالا برای آنکه حقیقت را بفهمد، با چهره مبدل، دوباره به شهر و همان خانه و محل سلمانی‌اش باز گشته است. آنچه در طی نمایش قصه‌گویی می‌شود، رویارویی او با این حقیقت‌ست که چرا او از آن شهر رفت و عاقبت فرنکیس چه شد. حقیقتی که گویا، تنها راه آرامش‌ست.

داستان خط روایی مناسبی را طرح‌ریزی کرده و به جهان بومی وطن و سلطه‌گری ارباب بر رعیت، ارباب و زور و خشونت عوامل قدرت، نزدیک شده و داستانی آشنا که حتی به حکایات فولکوریک ایرانی هم شباهت دارد، ساخته و پرداخته می‌شود. و تا پرده آخر با کشفی در کشف چراها و حقیقتی دور از انتظار، به پایانی غیرکلیشه‌ای ختم شود که این پایان در نوع خود، هسته فکری و قابل تعمقی را ایجاد می‌کند. چرا که برملا می‌شود سلمانی در اثر تهدید داروغه‌چی، به جای ایستادگی و محافظت از همسر و زندگی‌اش در قبال طمع ارباب به فرنکیس، او را تنها گذاشته و فرار کرده است. او در این ۳۰ سال نخوابیده و برای آنکه بتواند به آرامش برسد، نیازمند کشف این حقیقت و رویارویی با بزدلی و تسلیم خود است، همان حقیقتی که تلخ و گزنده، آشکار می‌کند آنچه از رنج و ناشادی بر انسان چیره می‌شود، انتخاب و تصمیم خود اوست. اجرا با دکوری مناسب از هشت آینه قدی که شکست زمان و گذر آن را منتقل می‌کند و بازتابی از واقعیات درونی مردم شهرست، یک صندلی آرایشگری و میز و جالباسی تشکیل شده که در عین حفظ سبک رئال داستان، گریزی به فضای سوررئال نیز دارد با دیالوگ‌هایی جذاب که زبانی ریتمیک و مشخص‌کننده دوره دوری نسبت به حال‌ست و بازیگرانی که از قدرت بازی خوب و جادوگرانه در کاراکترهای‌شان، برخوردارند و از تمرین خوب و کافی این گروه شهرستانی حکایت می‌کند. طراحی و اجرای گریم نقطه قوت و در راستای محتواست. طراحی صحنه نیز قابل قبول‌ست هر چند انتظار می‌رفت، از اکسسوارهای بیشتر و نورپردازی نقطه‌ای و حرفه‌ای‌تری بهره برده شود تا این داستان افسانه‌ای، از نظر بصری و زیبایی‌شناسی صحنه نیز، برای مخاطب جذابیت بیشتری ایجاد کند. جواد خاکساری حقانی، گرچه یک افسانه را دست‌مایه اجرای خود قرار داده اما موضع نقد ظریفی را در آن جای داده تا بتواند با مسائل روز اجتماعی پیوندی نیز داشته‌باشد. و آینه‌های کار شده بر صحنه، باهوشمندی، نمادی برای انعکاس نتیجه هر عمل و بازتابش بر زندگی فردی و اجتماعی‌ست. در تأکید بر جهانی که همواره با وجود صورت‌های متعدد قدرت، سعی در مسخ و سلطه انسانی دارد که به جای آنکه مقاومت و ایستادگی کند، تسلیم می‌شود و هستی خود را می‌بازد.

غم‌نومه وطن و تن، اجرایی قابل اعتنا و توجه‌ست که اگر ریتم آن بهتر حفظ شود، می‌تواند اقبال عمومی را به راحتی به‌دست بیاورد. ■





امین ابراهیمی، کارگردان نمایش «قل حصار» در گفت‌وگو با «ایران»:

این تئاتر حرف طبقه محروم را می‌زند

نویسنده سید حسین رسولی

روشنفکری زیاد خوشم نمی‌آید و در نهایت قرار است تنها چهارتا منتقد بگویند خیلی خوب بود. من حرف طبقه محرومی را زدم که صدایی ندارد. دیگر دوره این نیست که در لفافه حرف بزنیم و همه چیز را در فرم پنهان کنیم و باید دردها و حرف‌ها را مستقیم بگوییم. به نظرم شکاف طبقاتی گسترش یافته است. چندان کاراگر داریم که همه عاقبت شومی دارند ولی من به همین بسنده نکردم و در آخر نمایش شاهد زلزله بودیم. برادر بزرگ‌ترم به من مشاوره می‌دهد و وقتی متن را خواند، گفت از کار دو سال پیش بهتر است. آن کار قبلی در بخش بین‌الملل جشنواره تئاتر فجر جایزه گرفت. برادرم گفت ذهن تو خیلی تلخ و سیاه شده است. بعضی از تماشاگران هم سؤال‌هایی از من کردند. من در پایان نمایش در جشنواره به مخاطبان گفتم که واقعا نمی‌دانم کار تئاتر کردن در وضعیت سخت اقتصادی خوب است یا نه! اطرافیان من به تئاتر علاقه ندارند و همیشه می‌گویند که شما آدم‌هایی الکی خوش هستید. تئاتر باید مردمی بشود و از زندگی مردم بگوید. باید تئاترهایی باشند که نماینده قشر آسیب‌پذیر و ضعیف‌اند و تئاتر باید نسبت مستقیمی با مردم و اجتماع داشته باشد و نباید از مردم جدا باشد. تئاتر هم این‌گونه است. ما باید به مردم ضعیف نزدیک بشویم.

وضعیت تئاتر این روزهای ایران را چگونه می‌بینید؟

من هیچ وقت کول تعریف‌های دوستان را نمی‌خورم. تئاترهایی که این روزها مشهور شده‌اند بر اساس تبلیغات و رسانه است. ۶ سال پیش این‌گونه نبود. من اوایل دهه هشتاد وارد دانشگاه شدم و از همه هنرمندان جوان مطرح این روزها جوایز بیشتری گرفتم. آن موقع

از نظر اقتصادی به چنان وضعیتی گرفتار می‌شود که تصمیم به سرقت می‌گیرد. حرکت این آدم خیلی ساده‌انگارانه بوده است چون تمام راه‌ها را رفته بود و تنها می‌خواست زنده بماند. اواز همه پولی قرض گرفته بود و تا آنجا که توانسته بود کارگری کرده بود ولی زندگی‌اش به جایی رسید که دست به دزدی زد. با خودش فکر کرده بود که فووش زندانی می‌شود. این آدم در فکر خودکشی بود. این داستان در ذهنم مانده بود. من داستان را ماه‌ها در ذهنم بررسی می‌کنم و در نهایت در طول یک ماه آن را پیاده می‌کنم. ابتدا به سمت سوی فرم و فرمالیسم رفتم ولی بعد به این نتیجه رسیدم که باید رئالیستی پیش بروم چون حرفی اجتماعی می‌زدم. امکانات مالی و اقتصادی در اینجا برایم سخت شد. هر روز من و یکی از بازیگران نمایش باید بیشتر از ۱۳۰ کیلومتر راه می‌رفتیم تا به شهر خرم‌آباد برسیم و تمرین خودمان را انجام بدهیم. بعد با بازیگر دیگری این کار را تکرار می‌کردم. شهر ما سالن ندارد و محل تمرین هم که نیست. دو ماه و نیم این مسیر را هر روز رفتیم. کوه‌دشت هیچ امکاناتی ندارد. خرم‌آباد سالن دارد. من هر سال در فجر شرکت می‌کردم و در بخش استانی کار اول شدیم. کلا هیچ اجرای درست و حسابی هم نداشتیم چون نور سالن خرم‌آباد خراب بود. من به تمرین کوتاه اعتقادی ندارم. هیچ پولی هم کسی به ما کمک نکرد. ما بیشتر از ۴ میلیون تومان پول رفت و آمد دادیم. آنقدر هزینه کردیم که دیدیم پولی برای خانواده‌مان نمی‌ماند. بعد تصمیم گرفتم روی بازی و متن تمرکز کنم چون دیگر پولی نداشتم. خیلی خوب شد سمت فرم نرفتم و راضی هستم. چون من از کارهای

نمایش «قل حصار» به نویسندگی و کارگردانی امین ابراهیمی در سی‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر حضور دارد. این کارگردان تئاتر از هنرمندان موفق لرستان است. او دغدغه اجتماعی دارد و سال‌ها می‌شود که در جشنواره‌های مختلف شرکت می‌کند و دست پر به خانه می‌رود ولی می‌گوید که در تهران به او اجرای عموم نمی‌دهند چون معروف نیست و بازیگر چهره ندارد. امین ابراهیمی با نمایش‌هایی چون «خانه مادری» در تئاتر لرستان موفق بوده است و پیش از این نیز توانسته با نمایش «ترانه‌ای برای تو» در سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر جایزه اصلی را بگیرد. ابراهیمی که متولد کوه‌دشت است، در سال ۸۶ نمایش «خون و لجن» را در جشنواره تئاتر فجر به صحنه برده بود و با گروه نمایش «ترانه‌ای برای تو» در سال ۱۳۹۴ کاندیدای ۵ جایزه بخش بین‌الملل جشنواره تئاتر فجر شدند. آنچه می‌خوانید گفت‌وگوی مابا امین ابراهیمی، هنرمند کوه‌دشتی است.

درباره متن و اجرای نمایش «قل حصار» بگویید.

من به شهرستان بازگشتم و قرار بود تا ۳ ماه بمانم ولی الان ۸ سالی است که در آنجا زندگی می‌کنم. شرایط مالی خیلی سخت است و ازدواج هم کردم. من یکسری پیشنهاد کاری هم داشتم ولی نمی‌شد زن و بچه را دو ماه تنها گذاشت. صادقانه اینکه خیلی از آدم‌های سمت ما به تهران آمدند ولی دچار مشکلاتی شدند. بسیاری از آنها در ناهنجاری‌ها و بزه‌های اجتماعی گرفتار شدند. یکی خاطره‌ای از اقوام خودش را تعریف کرد و من هم آن را دستمایه این نمایشنامه قرار دادم. او می‌گفت یکی از آشنایان‌شان به آخر خط می‌رسد و

گفت و گو با کارگردان

به نظرم آنهایی که به دیدن تئاترهای اجتماعی نمی روند در حق تئاتر ظلم کرده اند چون این هنر فقط به سرگرمی نمی پردازد و به اندیشه هم توجه ویژه دارد. خیلی از هنرمندان شهرستانی از طبقات فرودست هستند و به جشنواره تئاتر فجر آمدند تا دیده بشوند و وظیفه ماست که از شما حمایت کنیم.

صادقانه به شما می گویم من هنوز معروف نشدم ولی خیلی از هنرمندان تئاتر معروف شده اند اما به مردم توجهی ندارند. من به یک تهیه کننده تئاتر گفتم بیاید به من کمک کند و سالنی برایم بگیرد چون آنها شناخته شده هستند ولی کسی کاری برایم نکرد. چرا سالن ها به افراد مشهور توجه دارند و به ما ندارند؟ این کارها باعث شده است که تئاتر ما پیشرفت نکند. از تلویزیون آمدند و از نمایش ما فیلم گرفتند ولی چون به طبقات محروم پرداختیم این فیلم را نشان ندادند. من که ندیدم نشان بدهند و خود کارگردان برنامه گفت نمایش شما قابل بخش نیست ولی اگر یک هنرمند مشهور بود حتماً قابل بخش می شد. برخی از هنرمندان هستند که پیگیر ما هستند. نوید محمدزاده خیلی به من کمک کرده است و درباره پروژه های بسیاری به من خبر می دهد ولی چون در شهرستان هستم امکان فعالیت ندارم. یک هنرمندی سالن اصلی تئاتر شهر را گرفته و بعد دیگران را تشویق کرده است که به جشنواره بروید. چرا او سالن اصلی را می گیرد ولی من نه؟ یکی دیگر کارش به جشنواره نرسیده است بعد گفته که نباید هنرمندان به جشنواره بیایند. این آدم ها فقط به فکر خودشان هستند.

اگر سیاستگذار جشنواره بودید چه کارهایی می کردید؟

به نظرم باید اهداف جشنواره مشخص بشود. این جشنواره در زمانی خیلی تأثیر داشت چون از امیررضا کوهستانی تا نادر برهانی مرد و کوروش نیرمانی در جشنواره تئاتر فجر مشهور شدند و به جاهای بالاتر رفتند ولی من دو سال پیش در این جشنواره جایزه گرفتم و کسی به من توجهی نکرد. حتی یک سالن دولتی هم به من ندادند تا اجرا بروم. تئاتر تنها راه دیده شدن ما است و این جشنواره هم تنها جا برای اعتبار ماست. اگر دو تا منتقد و رسانه کار ما را در فجر ببینند ما می توانیم پیشرفت کنیم. یک نگاهی در تهران جا افتاده که می گویند به شهر خودتان بروید. شهر کوهدشت سالن ندارد اگر هم بود خیلی از مردم پول دیدن تئاتر ندارند. اگر هم بخواهیم به تهران بیاییم و تئاتر ببینیم باید ۴۰۰ هزار تومان خرج کنیم. خیلی از تئاترها هم ربطی به زندگی من ندارند چون به شکم آدم ها کار دارند و به اندیشه ما کاری ندارند. باید کاری کنیم جوانان شهرستانی در جشنواره تئاتر فجر دیده بشوند و اجرای عموم بگیرند. چرا من اجرای عموم نگرفتم؟ من خیلی ناراحت هستم. بازیگران من زحمت کشیدند ولی دیده نشدند. تنها یک منتقد در جشنواره تئاتر فجر امسال درباره کار ما نوشت ولی برخی از کارهای تهرانی کلی نقد داشتند. ■

پس نسبت به موضوع های اجتماعی حساس هستید؟

تبعیض طبقاتی باعث این شده است که طبقه محروم هیچ تکانی نخورند و مجبور شده اند به سمت خلاف و جرم بروند. به نظرم طبقه محروم به راحتی محکوم به انجام جرم شده است. شاید دغدغه اجتماعی برای خیلی ها مهم نباشد ولی اجرای ما دیده شد. مردم آمدند و دیدند اما منتقدان و اهالی رسانه نیامدند. محرومان خیلی مشکل دارند ولی انگار نباید حرفی بزنند. من دیدم یکی از مسئولان گفت که اگر کسی مشکل مالی دارد تقصیر خودش است. این حرف ها یعنی چه؟ برخی از مردم به جایی رسیده اند که خجالت می کشند حرف بزنند و بگویند مشکل دارند. تئاتر من اعتراضی است. من دیدم که خیلی از بچه های بالای شهر تیرت شرت هایی می پوشند که روی آن عکس ارنستو چگوارا چسبیده و واقعاً برایم عجیب است. انگار همه چیز مصرفی شده است. نماد ضد سرمایه داری هم تبدیل به کالا شده است. تئاتر نباید کالا بشود بلکه باید صدای طبقات محروم باشد. البته با ممیزی هم دست و پنجه نرم کردیم. به من گفتند که شخصیت های نمایش خیلی واقعی هستند و حتی گفتند چرا حرف های عامیانه می زنند و فحش می دهند. من هم گفتم این زندگی ماست و روی صحنه هم باید واقعیت را نشان بدهیم. خود من هم خیلی از مواقع از حرف های عامیانه و فحش استفاده می کنم. چرا روی صحنه نباید واقعیت را نشان بدهیم؟ چرا همه چیز روی صحنه تصنعی می شود؟ من می خواهم دغدغه اجتماعی خودم را به صورت رئالیستی نشان بدهم. فحش تنها سلاح آدمی است. شما وقتی هیچ زوری نداشته باشید فحش می دهید. خیلی از مردم هم فحش می دهند و در خیابان هم شاهد فحش هستیم ولی چرا روی صحنه تئاتر ممنوع شده است؟ چرا شورای نظارت سالن های خصوصی را نظارت می کند مگر خصوصی نیستند؟ من فکر می کنم قوانین ما روشن نیستند. من امیدوارم مواظب آدم ها باشیم و هوای مردم را داشته باشیم.

شرایط اجرای چگونه دیدید؟

سالن مولوی خیلی خوب است. ما از شهرستان آمدیم ولی سالن پر شد و خدا را شکر می کنم. من خیلی خواهش کردم که تماشاگران پشت در را هم راه بدهند ولی نشد. من اولین بار بود که نمایشی ۱۲۰ دقیقه ای اجرا کردم. چالش سخت و ترسناکی بود. احساس کردم کارم باید این گونه پیش برود. البته خیلی ها از کار تعریف کردند ولی شاید تعارف کرده باشند. من از جایزه گرفتن لذت نمی برم چون قبلاً هم گرفتم ولی فایده ای نداشت.

به نظرم همین که شما دغدغه اجتماعی در اجرای تئاتر دارید خیلی خوب است و نصف بیشتر راه را رفته اید. من مدت ماست که تقریباً هر شب به تئاتر می روم ولی اغلب با نمایش های فرمالیستی وبی معنا مواجه می شوم.

تئاتر برای من زدن حرف طبقه محروم است. تئاتر برای من از جامعه دور نیست. شما اگر یک بقال خوب باشید و با مردم رابطه خوبی داشته باشید راه درست را رفته اید و شاید بقال ها از هنرمندان بهتر باشند. الان اگر تئاتر را ببینید چیز خاصی از دست نمی دهید چون برای مردم مهم نیست. من اصلاً اعتقاد ندارم هنرمندان تافته جدا بافته هستند. من نماینده پیرمردی ساده و فرودست در شهر کوهدشت هستم. من صدای این افراد هستم چون محل زندگی آنها روی نقشه هم نیست. خیلی از مردم محروم تریبونی ندارند. به نظرم باید حرف این افراد باشیم.



تئاترهایی که این روزها مشهور شده اند بر اساس تبلیغات و رسانه است. ۶ سال پیش این گونه نبود. من اوایل دهه هشتاد وارد دانشگاه شدم و از همه هنرمندان جوان مطرح این روزها جوایز بیشتری گرفتم. آن موقع مهم نبود که بچه شهرستان هستید یا خیر؟ او اینکه اصلاً مهم نبود چهره هستید یا نه؟ کسی نمی پرسید آیا پول دارید یا نه؟! آن زمان از تمام گروه های شهرستانی حمایت می کردند



نمایش «قرل حصار» عکس از ایران تئاتر

مهم نبود که بچه شهرستان هستید یا خیر؟! او اینکه اصلاً مهم نبود چهره هستید یا نه؟! کسی نمی پرسید آیا پول دارید یا نه؟! آن زمان از تمام گروه های شهرستانی حمایت می کردند. افرادی مثل سید محمد مساوات و رضا ثروتی هم از جشنواره مشهور شدند. خیلی ها در گوش ما خوانند که به شهرستان خودتان برگردید ولی هیچ امکاناتی در آنجا نیست و هیچ چیزی برای تئاتر وجود ندارد. همه امکانات در شهر تهران جمع شده است و همه چیز اینجاست. من در جشنواره ای بودم که جایزه گرفتم و کسی که در پشت صحنه بود در شهر تهران ساکن شد و الان داور اجراهای خود من شده است. من اعتقاد دارم که جایزه ملاک نیست ولی اگر جایزه باشد که من از همه بیشتر گرفته ام ولی کسی به من اجرای عموم نمی دهد. دو سال پیش جایزه بخش بین الملل جشنواره تئاتر فجر را گرفتم ولی هیچ کدام از سالن های دولتی به من اجرا ندادند! می دانید چرا؟ چون شهرستانی هستم. سالن های خصوصی هم که فقط پولی هستند. جالب است که یک تهیه کننده تهرانی آمد و گفت اجرا می خواهد و در عرض چند روز تئاتر شهر را گرفت! چگونه می شود به این راحتی تئاتر شهر را گرفت ولی من که خودم جایزه داشتم و کلی تئاتر کار کردم جوابی نگرفتم. ما نشد اجرا برویم. من آدمی احساساتی هستم و قبول نکردم بازیگران عادی اجرا را کنار بگذارم و چهره و سلبریتی بیارم. چرا منتقدان به دیدن کارهای ما نمی آیند. خود شما هم به تماشای کار ما نمی آید. چرا اهالی رسانه به بچه های شهرستان توجه ندارند؟ همه رسانه شده است تهران و اهالی تهران.

برای هنرمندان استانی بهتر است

رضا کریمی زاده: «جشنواره تئاتر فجر تنها رویدادی است که می‌تواند در معرفی آثار و هنرمندان به جامعه تئاتر کشور به هنرمندان استان‌ها کمک کند، هنرمندان تهران بر راحتی می‌توانند آثار خود را روی صحنه ببینند اما هنرمندان استانی چنین شرایطی را ندارند. به نظر هر چه جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر شدن آثار اهمیت بیشتر برای هنرمندان استانی بهتر باشد، البته بخش مسابقه تئاتر صحنه‌ای هم برای این ملی بخش اقسام تبلیغاتی تئاتر به صورت مسابقه‌ای مستقل برگزار شد که جزو اتفاقات مثبت حضور گروه‌های بین‌المللی تئاتر فجر است. به نظرم نسبت به تئاتر ایران دارند که جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر برای گروه‌های تئاتر شهرستان‌ها صحبت کرد.»



ما تلاش خود را کردیم

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مازنی: «ما تلاش خود را کردیم که بودجه حوزه تئاتر افزایش پیدا کند و مطمئناً برای تصویب لایحه بودجه در صحن علنی مجلس بر این موضوع تأکید خواهیم کرد. خواهش می‌کنم اهالی رسانه هم در این زمینه باشند. همچنین دوستان مادر دولت به‌طور ویژه همکاران ما در دولت فرهنگ و ارشاد اسلامی در فصل می‌کند و از توفیق گذشته و به‌صورت رسیده است، بخش‌های مربوطه به تئاتر را باید لحاظ کنند.» عضو کمیسیون فرهنگی مجلس درباره بودجه تئاتر توضیحاتی داد.

نباید هنرهای نمایشی مورد غفلت قرار بگیرد



سید عباس صالحی: «اختلاف سلیقه بالطبع وجود دارد اما خوشحالیم که اجزای نمایش‌های خوبی را اکنون در جشنواره شاهد هستیم و به همه سلیقه‌ها نیز احترام می‌گذاریم. ممکن بود هر موضوع‌گیری به عدم نتیجه‌گیری منجر شود و این نگاه ویژه رهبر معظم انقلاب می‌تواند به کمک حوزه هنرهای نمایشی بیاید. امیدواریم به‌عنوان مسئولان دولتی از هنر نمایشی کشور حمایت کنیم اما هنرهای نمایشی به‌طور خاص جایگاهی دارد که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بازدید از جشنواره تئاتر درباره اهمیت این جشنواره صحبت کرد.»

نیاید و نمی‌تواند مورد غفلت قرار گیرد. تلاش ما این است که با همه شرایط موجود امکانی فراهم کنیم تا هنرمندان بدون دغدغه در جشنواره‌ها حضور پیدا کنند. البته در حال حاضر همزمانی جشنواره‌ها بیشتر به تئاتر و سینما مربوط است. البته در ایام دهه فجر باید پاره‌ای از اتفاقات فرهنگی و هنری همزمان شوند و پرونده‌های فرهنگی و هنری انقلاب را یکجا شاهد باشیم.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بازدید از جشنواره تئاتر درباره اهمیت این جشنواره صحبت کرد.

چهره‌ها و حرف‌ها

خیلی خوشحالم که اینجا هستم

جو کاهاید می‌تی: «به ایران آمدم چون کشور شعر و ادب است. خیلی خوشحالم که اینجا هستم. شناخت آثاری از مولانا، حافظ و فردوسی که به زبان فنلاندی ترجمه شده بود، به ایران سفر کردم. فنلاند بخشی از اسکاندیناوی نیست و ما پیشینه تاریخی تئاتر فنلاند را به‌عنوان «تئاتر مردمی» می‌شناسیم. توسط فنلاندی‌های حدود ۸۰۰ تئاتر برای جوانان داریم. در طول تاریخ ما در جشنواره‌ها هم شرکت کرده‌ایم و برای آثاری که به وضعیت مالی نمایش‌ها در سال ۱۹۹۳ قانونی وضع شد که طبق آن این تئاترها می‌توانند از مزایای دولتی برخوردار شوند اما یا گسترش هنر تئاتر در این کشور بعضی از تئاترها مشمول این قانون نمی‌شوند. تئاترهای کشور ما در تمامی شهرها برگزار می‌کنیم. هر کدام را تحت استفاده خود دارند.»



من به تماشای تئاتر ترغیب شدم

الهه منصوریان: «من همواره در جشنواره فیلم فجر شرکت می‌کردم. به حوزه تئاتر هم علاقه‌مند بودم و به‌همین علت ترغیب شدم اما در این دوره اخبار تئاتر را بسیار خواندم و دیدم وجود جشنواره‌های تئاتر ترغیب شدم در این جشنواره‌ها با اطلاع‌رسانی مردم معمولاً جشنواره‌ها ترغیب شدم. من هم به تماشای تئاتر ترغیب شدم. کاش همان میزان تماشاگری که برای بازی دربی به ورزشگاه آزادی در سطح جهانی نیز حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. برای مثال زمانی که محقق «بچه‌های آسمان» مجید مجیدی در تلویزیون چنین به نمایش درآمد بابت ایرانی بودن سرشار از لذت و غرور شدم.» قهرمان ووتیوی جهان به تماشای نمایش «دست‌های کومم حسن» نشست.





حاشیه قوی تر از متن

نوشته احسان زیور عالم

به سویی برد که فجر از آن حال و هوای چند ساله خود فاصله بگیرد. هر چند با دیدن آثار روی صحنه رفته کاش هزینه بخش بین الملل صرف آثار غیرتهرانی می شد و به نوعی دولت بودجه فجر را به یک سرمایه گذاری برای تولیدات آینده کارگردانان حاضر در جشنواره تبدیل می کرد. مهمی که رخ نداده است و این احتمال وجود دارد با پایان جشنواره، سیل انتقادات به سوی دبیر جشنواره و اداره کل هنرهای نمایشی سوق یابد. انصراف چند هنرمند و گروه از فجر نیز موضوعی بود که شاید رسانه ها بیش از خود فجر بدان پرداختند. بماند که ریشه ماجرای انصراف گویا به داخل کشور بازمی گردد؛ اما نگارنده انتظار داشت بخش بین الملل حذف می شد و به همان بازار تئاتر تقلیل می یافت.

بازار تئاتر امسال کمی متفاوت از دوره های قبل برگزار شد. برخلاف رویه کمتر رسانه ای شده، در این دوره دو پل خبری برای مدعوین طراحی شد و مخاطبان بازار در یک جلسه معارفه با میهمانان و شرکت کنندگان آشنا شدند. هر چند آماری از وضعیت بازار تئاتر منتشر نشده است؛ اما به نظر می رسد شرایط از سال پیش بهتر پیش رفته است. البته این صرفاً یک حدس است که مستلزم شفاف سازی عوامل این بخش می باشد. جشنواره تئاتر فجر در دوره سی و هشتم خود نشان داد آیین نامه مصوبش چندان کارایی ندارد. خلاهای قانونی آن نسبت به جشنواره فیلم فجر آشکار شد. نبود قراردادهای رسمی در میان گروه ها و البته میان فجر و اثر منتخب نیز از خلاهایی است که می بایست مدیران فجر بدان اهمیت دهند؛ هر چند با توجه به سیر خصوصی سازی تئاتر در ایران شاید وقت آن رسیده باشد که درباره مشارکت بخش خصوصی در جشنواره تئاتر فجر نیز بیشتر اندیشه کرد. کما اینکه هیچ اسپانسرری پای جشنواره تئاتر فجر نمی آید؛ چرا که این جشنواره دولتی جذابیتی برای بخش خصوصی ایجاد نمی کند که دلایل آن روشن است. ■

سالن های کمتری را درگیر کرد و فرصت را برای دیده شدن نمایش های منتخب فراهم کرد. بسیاری از نمایش های جشنواره امسال دو روز روی صحنه رفتند تا نقل قول ها و تمجیدها شرایط اجراها را دگرگون کند. هر چند هنوز شرایط جشنواره تحت الشعاع وضعیت رسانه ای پیش از آغاز جشنواره قرار دارد. این وضعیت خود نشانگر آن است که سهم تئاتر فجر از رسانه های فراگیر اندک است. جز روزنامه های ایران، همشهری و فرهیختگان هیچ رسانه ای به صورت ویژه به جشنواره تئاتر فجر نپرداخته است. حتی رسانه هایی که به انتقاد از رفتار هنرمندان پرداختند، پای هنرمندان باقی مانده در تئاتر فجر نماندند. وضعیت در تلویزیون فاجعه بارتر است و جور سردی مدیران تلویزیون را رادیو کشید. جشنواره ۳۸ تئاتر فجر نشان داد که در فضاهای این چنینی در نهایت رادیو مأمونی است برای خانواده تئاتر.

رسانه ها با عقب کشیدن از جشنواره حق هنرمندان غیرتهرانی را ضایع کردند. امسال از جذاب ترین سال های برای نمایش های غیرتهرانی بود. با توجه به قوانین وضع شده در انتخاب آثار غیرتهرانی تنوع جذابی از استان های مختلف در جشنواره پدید آمد. نمایش ها عموماً با توجه به زیست و اقلیم منطقه تولید شده اند و به شدت بر مواضع اجتماعی روز آن اقلیم ایستادگی کرده اند. خلاقیت، تولید و اجرای آثار نشان از کاهش فاصله میان آثار در تهران و استان ها خبر می دهد. به نحوی که می توان مدعی شد در صورت امکانات در برخی از استان ها می توان فرصت آفرینش گری برای تولید آثار عظیم به جوانان دیگر استان ها داد. البته نبود یک داور غیرتهرانی در میان داوران فجر می تواند یک آسیب به حساب آید. فرصتی که می شد برای جلوگیری از ارباب داوران نسبت به برخی اسم ها استفاده شود. در حوزه بین الملل اما فجر حرفی برای گفتن نداشت. حذف بخش مسابقه فجر و در نهایت ریزش یکشنبه اجراها شرایط را

سی و هشتمین دوره جشنواره تئاتر فجر به پایان خود رسیده است و شاید به جد بتوان گفت عجیب ترین دوره خود را پشت سر گذاشته است. شاید اگر همانند دوره هایی چون مرحوم کاشن فلاح، جشنواره در انقیاد نیروهای دولت وقت می بود، حواشی چنین نمی شد. جشنواره به یک گعده برای گروهی خاص بدل می شد و تمام. مثل آن اختتامیه عجیب و غریب؛ اما این بار دبیر جشنواره نادر برهانی مرند بود. کسی که در انتخابات خانه تئاتر بالاترین رأی را آورده بود و سرمایه اندوخته اش در ۳۰ سال فعالیت هنریش، جلب اعتماد عمومی جامعه تئاتری بود. او یک دوره کم افت و خیز را در دوره سی هفتم تجربه کرده بود و با توجه به جلسات آسیب شناسی و نقادی های بسیار، قصد پوست اندازی برای فجر داشت؛ ولی یک اتفاق تمام معادلات را برهم ریخت.

اتفاقاتی که به هیچ عنوان به دبیرخانه فجر ارتباطی نداشت، دامنگیر جشنواره می شود. آن هم زمانی که جدول جشنواره بسته شده بود و برای نخستین بار، قرار بود چند هفته پیش از شروع جشنواره، برنامه تئاتر فجر در اختیار مخاطبان قرار گیرد. یک فرصت خوب برای آنکه بدانیم چگونه می بایست نمایش ها را ببینیم. حتی با وجود وضعیت مالی نه چندان مناسب جشنواره، نام هایی چون کاستلوجی و باربا نشان می داد هنوز بخش بین الملل برای جشنواره اهمیت دارد. دانشجویان منتظر کلاس ها و کارگاه های استادان بنام ایتالیایی بودند؛ ولی همیشه در، آن گونه که ما می خواهیم بر پاشنه نمی چرخد. برای نادر برهانی مرند همه چیز به یک مولودرام شباهت داشت. از یک سو بچه های غیرتهرانی پای جشنواره ایستادند و از سوی دیگر بزرگان دعوت شده پا پس کشیدند. همین مسأله موجب شد تا بدانیم جشنواره تئاتر فجر چقدر بی خود و بی جهت بزرگ شده است و مدیریت این همه بخش از راندمان آن کاسته است. می شود با یک جدول کوچک تر



ایران جشنواره شماره ۸
(ضمیمه روزنامه ایران)
در جشنواره تئاتر فجر
صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول:
مهدی شفیعی
سر دبیر: جواد دلیری

دبیر ویژه نامه: خسرو نقیبه
دبیر تحریریه: یحیی نطنزی
دبیر عکس: ابوالفضل نسایی
دبیر اجرایی: جواد عبدی
مدیر فنی: حجت حکیمی
صفحه آرایی: دنیا حق شنو، محمد عباس پور
ویراستاری و حروفچینی: گروه ویراستاری و حروفچینی «ایران»
لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

نمایش های منتخب سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

یکشنبه ۲۰ بهمن

راهنما

در گروه بازیگران نمایش «تنها خرنجک خانگی لای ملاقه ها خانه می کند اتللو» به عنوان جدیدترین اثر نمایشی گروه تئاتر «تی تووک» ایفای نقش می کنند. این نمایش در فضای جنوب ایران و بندرعباس مدرن روایت می شود و با سبک و سیاق رئالیسم جادویی در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه خواهد رفت. اجرای عموم این نمایش هم بزودی آغاز خواهد شد.

اساس نمایش «سرباز» به نویسندگی امیرحسین شفیعی و کارگردانی پژمان شاهرودی از روز پنجشنبه ۱۷ بهمن تا روز یکشنبه ۲۰ بهمن ساعت ۱۸ در محوطه تئاتر شهر اجرا می شود.

زندگی کنسرو شده

● نویسنده: حمیدرضا نعیمی
● کارگردان: حامد هادوی
● مکان: ایران تماش
● زمان: ۱۹
● شهر: البرز

ویرانه های زیبا

● نویسنده: حسین زنگنه
● کارگردان: علی اصغر کیاثلاثی
● مکان: خانه نمایش دا
● زمان: ۲۱
● شهر: تهران
● بخش: + فجر
● مدت زمان اجرا: ۵۰ دقیقه
«ویرانه های زیبا» روایتگر داستان شخصیتی است که در پایین شهر زندگی می کند و دچار اعتیاد شده

کریملوژی

● نویسنده: مهران رنجبر
● کارگردان: رضا بهرامی
● مکان: تئاتر شهر - چهارسو
● زمان: ۱۸:۳۰ و ۲۰:۳۰
● شهر: تهران
● بخش: مسابقه صحنه
● مدت زمان اجرا: ۵۵ دقیقه
این نمایش به کریم شیرهای از تلخکان دربار ناصرالدین شاه می پردازد که مرگ او، پادشاه وقت را بر آن داشت تا در کشور سه روز عزای عمومی اعلام کند اما آنچه تاکنون کشف و

مارلون براندو

● نویسنده: مهران رنجبر
● کارگردان: مهران رنجبر
● مکان: ایرانشهر
● زمان: ۱۸ و ۲۰:۴۵
● شهر: تهران
● بخش: مسابقه صحنه
● مدت زمان اجرا: ۸۵ دقیقه
این نمایش به زندگی مارلون براندو می پردازد. چهره های بزرگ سینمایی همیشه محبوبیت خاصی را به خودشان اختصاص داده اند و البته که



نویسنده و کارگردان متین اوجانی

بازیگران:
متین اوجانی
نوشین مینایی فرد
پرهیز قدرتی
آوا موسوی
سمره نوری
مهدی حسن طاشی
فریخ فروری فر
فریاد کتلی سادات
حمیدرضا پورلی
امیررضا مرشدزاده
نیمه کنگدگی
متین اوجانی
پرهیز قدرتی
زمان اجرا
۳۰ تا ۵۱ دقیقه (۱۳۸ ساعت)

در خلاصه این نمایش آمده است: «در افسانه ها چنین آمده است که سلطان کنوک و همسرش شمشیری جادویی را از استاد کوندور پذیرفتند و آن را ذوب کردند و در قالب های جدید ریختند یکی را از دهکاش و دیگری را ستاره گیر نامیدند. هر که مالک هر دو شود بر دنیای هنرهای رزمی فرمان می راند. البته همگان هر دو شمشیر را با هم می خواستند و اینگونه شد که نبردهایی میان فرقه های مختلف شکل گرفت و...»

رهایی از شاتولین

● نویسنده: متین اوجانی
● کارگردان: متین اوجانی
● مکان: دیوار چهارم
● زمان: ۱۹:۳۰
● شهر: تهران
● بخش: + فجر
● مدت زمان اجرا: ۵۵ دقیقه



ویرانه های زیبا

بازیگران: فرید همدانی
نویسنده: حسین زنگنه
کارگردان: علی اصغر کیاثلاثی
مکان: خانه نمایش دا
زمان: ۲۱
شهر: تهران
بخش: + فجر
مدت زمان اجرا: ۵۰ دقیقه
روایتگر داستان شخصیتی است که در پایین شهر زندگی می کند و دچار اعتیاد شده

باید به روز شده و به آنها توجه شود. مجید رحمتی بازی مورد توجهی در کریملوژی دارد.

همه فرزندان مکبث

● نویسنده: مهدی شفیعی زرگر
● کارگردان: مجتبی رستمی فر
● مکان: تئاتر شهر - سالن اصلی
● زمان: ۱۹
● شهر: اهواز
● بخش: مسابقه صحنه
● مدت زمان اجرا: ۱۰۰ دقیقه
این نمایش از زوایای متفاوت

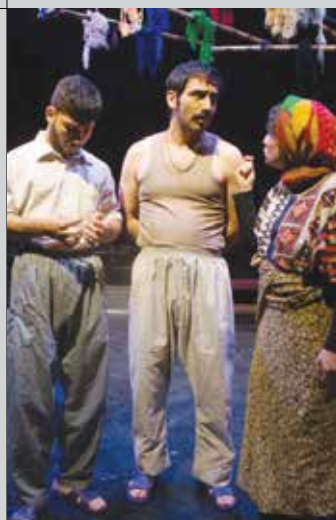
مارلون براندو به عنوان یکی از بزرگترین بازیگران تاریخ سینما نماد قابل ارجاعی است. مهران رنجبر در نمایش «مارلون براندو» این سؤال اساسی را مطرح کرده است که ما چقدر مارلون براندو واقعی را می شناسیم؟ وقتی از مارلون براندو حرف می زنیم از چه کسی حرف می زنیم؟ نحوه روبه رو شدن ما با زندگی و زمانه مارلون از چه نظرگاهی رقم می خورد؟

سرباز

● نویسنده: امیرحسین شفیعی
● کارگردان: پژمان شاهرودی
● مکان: تئاتر شهر
● زمان: ۱۸
● شهر: بروجرد
● بخش: خیابانی
● مدت زمان اجرا: ۲۵ دقیقه
سه نمایش خیابانی و یک اثر رادیوتئاتر در سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر با محوریت رشادت های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی اجرا خواهند شد. براین

زری سلطان

● نویسنده: کرامت یزدان
● کارگردان: فرید همدانی
● مکان: شانو
● زمان: ۱۷
● شهر: تهران
● بخش: + فجر
● مدت زمان اجرا: ۶۵ دقیقه
در خلاصه این نمایش آمده است: «زری داستان بسیاری از دختران امروز ماست که خوب درک نشده اند اما برای آینده تاریخ خود می جنگند.»



دست... کاری

● نویسنده: احمد صمیمی
● کارگردان: مهدی ضیاییان پور
● مکان: تئاتر شهر
● زمان: ۱۶
● شهر: تهران
● بخش: خیابانی
● مدت زمان اجرا: ۲۰ دقیقه

میمون کشی

● نویسنده: سعید خیراللهی
● کارگردان: سعید خیراللهی
● مکان: تئاتر شهر

است. او در فضای زندگی خود دچار درگیری هایی می شود. مشخصا در این نمایش، به جبر جغرافیایی که برای این شخص ایجاد شده و مسأله اعتیادش می پردازیم. زمانی که درباره اعتیاد صحبت می کنیم، به پیامدهای آن نیز توجه داریم. نمایش «ویرانه های زیبا» در ژانر اجتماعی است؛ برخلاف تکنیک های نمایش که به صورت موزیکال و فیزیکی است.

● زمان: ۱۶:۳۰
● شهر: دهلران
● بخش: خیابانی
● مدت زمان اجرا: ۳۰ دقیقه

گل پری

● نویسنده: سعید بادینی
● کارگردان: سعید بادینی
● مکان: تئاتر شهر
● زمان: ۱۷
● شهر: زاهدان
● بخش: خیابانی
● مدت زمان اجرا: ۳۵ دقیقه